



تصمیم‌گیری از دیدگاه امام خمینی (ره)

علی کریم زاده میبیدی

عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین (ع)

چکیده

در این مقاله پس از بیان تعاریفی از تصمیم‌گیری در مدیریت اسلامی به ارکان تصمیم‌گیری، شرایط تصمیم‌گیری و نیز نوع شخصیت افراد در تصمیم‌گیری آنها پرداخته شده است.

در ادامه به انواع تصمیم‌گیری از نظر صاحب‌نظران علم مدیریت و به مقدماتی که خواص در تصمیم‌گیری لازم دارند، به‌طور گذرا اشاره شده است. نظریه تکلیف در تصمیم‌گیری و رابطه تکلیف و قدرت از نظر امام راحل (ره) از موضوعات بنیادی مقاله است.

آن فرزانه سفر کرده در تصمیم‌گیریها بر اعتماد سه گانه - اعتماد به نفس، اعتماد به مردم و اعتماد به خداوند - تأکید فرموده است. از جمله ویژگیهای منحصر به فرد آن بزرگوار، قاطعیت، جرأت و ابتکار در تصمیم‌گیری بود.

مقدمه

انسان موجودی مختار است. از این رو پیوسته در برابر او راه‌های مختلف و گوناگونی هست که باید در مورد «بهترین راه» تصمیم‌گیری کند. انتخابی حتمی و لازم که ناگزیر باید به آن دست زد؛ انتخابی که سرنوشت‌ساز است.

زندگی انسانها همچون رودخانه است. رودخانه زندگی ما دائم در حال تغییر است و هدایت ما نیز باید دائماً تحوّل یابد.

دنیای امروز همچون رودخانه‌ای متلاطم، دائماً در حال تغییر است پس برای تصمیم‌گیری در وضعیت امروز باید بتوانیم با تغییرات محیط هماهنگ شویم.

ما می‌دانیم چگونه در رودخانه‌ای آرام و با حرکات قابل پیش‌بینی، تصمیم منطقی خطی بگیریم ولی نمی‌دانیم چگونه در وضعیت متلاطم، پرچرخش و غیرعادی جریانها، مدیریت کنیم. ما به استراتژی و تصمیم‌گیری غیرمنطقی و غیرخطی و تاکتیکیهای متغیر و تصادفی نیاز داریم. به دیدگاه‌ها و مهارتهایی در تصمیم‌گیری نیازمندیم که هم در نظم و هم در بی‌نظمی، هم در ثبات و هم در بی‌ثباتی کارایی داشته باشد.

یکی از شیوه‌های مؤثر در این زمینه که افزون بر افزایش توانمندی فردی می‌تواند راهگشای معضلات و هنگامه‌های خطر باشد، الگوگیری از سبک و روش مدیریت بزرگان، اندیشمندان و مصلحان جوامع بشری است. در این مقاله این موضوع از دیدگاه بنیانگذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی (ره) بررسی می‌شود.

تعاریف تصمیم‌گیری

«تصمیم‌گیری، انتخاب یک راه‌حل از بین راه‌حلهای مختلف است؛ یعنی زمانی که چند راه حل پیش روی مدیر یا رهبر است و وی با توجه به مجموع ملاحظات از بین آنها یک راه حل را انتخاب می‌کند، تصمیم‌گیری کرده است. بنابر این وقتی فقط یک راه باشد و یا فرد به اتخاذ یک راه‌حل مجبور بشود، تصمیم‌گیری وجود ندارد.»^(۱)

تعریف تصمیم‌گیری در مدیریت اسلامی نیز همانند همین تعریف است:

«تصمیم‌گیری، اتخاذ نظری واحد از میان تمام نظریات با تدبیر و تعقل است که به نتیجه مطلوب منجر شود.»^(۲)

ارکان تصمیم‌گیری

ارکان تصمیم‌گیری در چهار محور زیر بررسی می‌شود:

- ۱- امر یا آنچه در مورد آن تصمیم‌گیری می‌شود.
- ۲- تصمیم‌گیرنده یعنی فردی که تصمیم می‌گیرد.
- ۳- زمان یعنی در چه موقعیت زمانی تصمیم‌گیری صورت می‌گیرد.
- ۴- مکان یعنی وضعیت مکانی تصمیم‌گیری چیست.

شرایط تصمیم‌گیری

هر تصمیم، موجب اتخاذ تصمیمات دیگری می‌شود و تصمیمات نامحدود و به هم پیوسته‌ای را به دنبال می‌آورد. تصمیم‌گیری در هر سازمان یا سیستم، دو بعد کوتاه‌مدت و درازمدت دارد:

بعد کوتاه‌مدت برای دستیابی سریعتر به خواسته‌های ضروری، رفع نیازهای مهم و اولیه، ایجاد انگیزه و زمینه برای کار و... اتخاذ می‌شود.

بعد بلندمدت برای دستیابی به اهداف اساسی و استراتژیک، که موجب تعالی و تکامل جامعه و انسان است، اتخاذ می‌شود.

«در هرگونه تصمیم‌گیری شرایط زیر را باید در نظر گرفت:

- ۱- هنگام تصمیم‌گیری همه جوانب در نظر گرفته شود تا یک تصمیم بر تصمیمات و اهداف دیگر سازمان تأثیر منفی نگذارد. گاهی ممکن است یک تصمیم در سازمان تحول و پیشرفت ایجاد کند ولی موجب عقب‌ماندگی سازمان دیگری شود.
- ۲- تصمیم‌های گرفته شده باید آگاهانه، عادلانه، منطبق با آیین حق و حافظ مصالح کشور باشد. هیچ تصمیمی براساس حدس و گمان اتخاذ نشود.

۳- تصمیم‌های گرفته شده باید مورد توجه و علاقه مردم باشد. در غیر این صورت برای انجام و تحقق آن همکاری نمی‌کنند و حمایت‌های لازم را به همراه نخواهد داشت.»^(۳)

۴- تصمیم باید در درجه اول منطبق با وضع موجود، لیکن تکامل‌دهنده آن باشد. تصمیمی که وضع موجود را یکسره به هم بریزد و بخواهد یکباره وضعیت جدیدی ایجاد کند با شکست روبه‌رو می‌شود. هرگونه تغییر باید تدریجی باشد.

۵- باید هنگام تصمیم‌گیری، نتیجه تصمیم و عملکردهای قبلی در نظر گرفته شود.

۶- باید هدفها و مأموریت‌های بلندمدت سازمان و جامعه در نظر گرفته شود.

۷- اصل انعطاف‌پذیری تصمیم باید مراعات شود تا بتوان در موقعیتهای مختلف، آن را به اجرا گذاشت.

۸- عوامل و اوضاع محیط طبیعی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه مد نظر باشد.

۹- تصمیم باید به گونه‌ای باشد که با عقاید و فرهنگ عمومی متضاد نباشد بلکه باید به آداب و سنت‌های مردم احترام بگذارد.

۱۰- مهمترین مطلب، میزان دانش، تخصص، توانایی و آمادگی پیروان برای تحقق تصمیم مورد نظر است. باید در نظر گرفت که آیا پیروان آمادگی و توانایی انجام کار مورد نظر را دارند یا خیر.

۱۱- پرهیز از شتابزدگی یا سستی، هنگام تصمیم‌گیری: شتابزدگی در تصمیم‌گیری یعنی عملی که زمان انجام دادن آن فرا نرسیده است و به صبر و دقت احتیاج دارد. سستی در تصمیم‌گیری یعنی عملی که زمان اجرای آن فرا رسیده است ولی درباره آن اقدامی نمی‌شود. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «وَايَاكَ وَالْعَجَلَةَ بِالْأُمُورِ قَبْلَ أَوَانِهَا أَوْ التَّسَعُّطَ فِيهَا عِنْدَ امْكَانِهَا... فَضَعَّ كُلُّ أَمْرٍ مَوَاضِعَهُ وَ أَوْقَعَ كُلَّ عَمَلٍ مَوْقِعَهُ»

پرهیز از شتاب در کارهایی که هنگام انجام دادن آن نرسیده یا سستی در آن چون انجام دادن آن ممکن شده است. پس هر چیز را در جای خود قرار ده و هر کاری را به هنگام آن انجام بده.

۱۲- در دو حالت نباید تصمیمی گرفته شود:

- الف) مواقعی که انسان بسیار، خوشحال و شاد و هیجانزده است.
 ب) مواقعی که انسان، بسیار ناراحت یا خشمگین است.^(۴)

تأثیرگذاری شخصیت افراد درباره تصمیم‌گیری

«نوع شخصیت افراد و یا منافعی که در هر تصمیم‌گیری برای تصمیم‌گیرندگان وجود دارد بطور یقین بر تصمیمها اثر می‌گذارد. سلیقه‌ها و نظام ارزشی افراد و نیز معتقدات آنها چه در «تصمیم‌گیری» و چه در «تصمیم‌سازی» می‌تواند عامل تعیین‌کننده باشد. می‌گویند ناپلئون در یکی از حساسترین مراحل جنگی خود که باید تصمیم نهایی حمله را بگیرد، نقشه را جلو خود گسترده بود و کارشناسان نظامی در اطرافش جمع بودند تا گذرگاه‌های حمله را کشف، و لشکر را توجیه کنند. در این اثنا ناگهان معشوقه ناپلئون از راه می‌رسد و پا را روی نقشه می‌گذارد و به سمت ناپلئون می‌آید. ناپلئون بلافاصله می‌گوید ما از همین جا حمله می‌کنیم. اگر چه این نمونه را مدرسان نظامی برای محکوم کردن تصمیمهای لحظه‌ای و بدون مطالعه انتخاب کرده‌اند، چنین حالتی در تصمیم‌گیریهای مردم و حتی در تصمیم‌گیریهای مقامهای بالا زیاد اتفاق می‌افتد.»^(۵)

ادوارد اسپرنگر^(۶) روانشناس آلمانی، افراد را از نظر شخصیت و ارزشهای فکری به شش دسته تقسیم می‌کند:

- ۱- فرد اقتصادی - کسی که توجه خود را به امور مفید و عملی معطوف می‌کند.
- ۲- فرد زیباپسند - بالاترین ارزشها را برای هماهنگی و تعادل و فردیت و قدرت قائل است.
- ۳- فرد فلسفی - کسی که علاقه‌مند به کشف حقایق، تنوع و معقولیت است.
- ۴- فرد سیاسی - اساساً فردی است که به قدرت علاقه‌مند است و قدرت شخصی را می‌پسندد و شهرت و نفوذ را دوست دارد.
- ۵- فرد اجتماعی - شخصی که مردم را دوست دارد. هدف خود را در وجود دیگران

جستجو می‌کند و مهربان و خوشخوست.

۶- شخص مذهبی - بزرگترین ارزشها را به ارضای درون، راضی ساختن خود و آرامش خاطر می‌دهد و موفقیت را در محدودیت و محرومیت خود می‌شمارد.^(۷) پس به طور طبیعی «تصمیمها» رنگ و بویی از شخصیت تصمیم‌گیرنده را با خود دارد. ممکن است این رنگ به اندازه‌ای باشد که آمار، ارقام و محاسبات نادیده گرفته شود. بطور کلی سلیقه‌ها، لباس تحقق را بر قامت «تصمیم‌گیرها» می‌پوشاند.

انواع تصمیم‌گیری

اگر پژوهشگری بخواهد چندین ماه در مؤسسه‌ای درباره برخی از تصمیمها تحقیق کند بدون شک، باید چندین هزار ورق درباره تمامی تصمیمهای گرفته شده بنویسد. تصمیمهایی که ماهیت همانندی دارد و در سطحی خاص گرفته شده است. مشهورترین دسته‌بندی به ایگور آنسوف^(۸) مربوط است که تصمیمها را به سه دسته طبقه‌بندی می‌کند:

۱- تصمیمهای عملیاتی که هدف آن به دست آوردن حداکثر سود از فعالیتهای مؤسسه است؛ مانند تعیین نرخها، ارائه خدمات بهتر، تعیین سطح محصولات در انبار و...
۲- تصمیمهای اداری که به ساختار مؤسسه و به دست آوردن منابع مربوط می‌شود؛ به طور مثال تصمیمهای مربوط به روابط تشکیلاتی، سازماندهی کار، شبکه ارتباطات و اطلاعات و...

۳- تصمیمهای استراتژیکی شامل مقولات مربوط به گزینش بازار، محصولات، هدفهای بلندمدت، توسعه دادن مؤسسه مثل تنوع‌گرایی، گسترش بازار و...^(۹) هربرت سایمون به طور کلی تصمیم‌گیری را به دو نوع برنامه‌ریزی شده و غیربرنامه‌ریزی شده تقسیم می‌کند. منظور از تصمیم‌گیری برنامه‌ریزی شده فرایند پرداختن به تصمیمهای تکراری و دارای ساختار است. منظور از تصمیم‌گیری غیربرنامه‌ریزی شده، تصمیمهایی است که براساس استقرا و خطا و آزمون و فرایند پرداختن به مسائلی است که بخوبی تعریف نشده است.^(۱۰)

فرایند تصمیم‌گیری

هر سازمان در هر زمان در صدد شناسایی مسأله‌ها و ارائه راه‌حلهایی برمی‌آید که در مواردی باید صدها تصمیم گرفته شود. معمولاً مدیران و سازمان درگیر چنین وضعی هستند و باید پیوسته در صدد راه‌های تازه برآیند و چاره‌ای بیندیشند. می‌توان فرایند تصمیم‌گیری را مغز یا مرکز سلسله اعصاب سازمان به حساب آورد. در سازمان دربارهٔ استراتژی، ساختار، نوآوری و خرید واحدهای دیگر تصمیمات مهم گرفته می‌شود.

تصمیم‌گیری فردی

«از دیدگاه نظریه‌های مدیریت می‌توان تصمیم‌هایی را که مدیران به صورت فردی می‌گیرند به دو طریق توجیه کرد: نخست روش بخردانه^(۱۱) است؛ یعنی نوع تلاش مدیران به هنگام تصمیم‌گیری مورد توجه است. دوم روش عقلانی محدود^(۱۲) مقصود تصمیم‌هایی است که باید در وضعیتی بسیار محدود (از نظر منابع و زمان) گرفته شود. روش بخردانه بیشتر جنبه آرمانگرایی دارد ولی کمتر مؤثر واقع می‌شود.»^(۱۳)

روش بخردانه

«هنگامی که فرد به روش بخردانه تصمیم می‌گیرد مسأله را به صورت سیستماتیک تجزیه و تحلیل می‌کند؛ راه‌حلی انتخاب می‌کند و مراحل معقول را یکی پس از دیگری پشت سر می‌گذارد. روش بخردانه بدان سبب ارائه شد که فرد را در تصمیم‌گیری هدایت کند؛ زیرا بسیاری از مدیران، هنگام تصمیم‌گیریهای خود در سازمان به صورت نامنظم (غیرسیستماتیک) و دلخواه عمل می‌کنند. در اجرای روش بخردانه می‌توان فرایند تصمیم‌گیری را به هشت مرحله زیر تقسیم‌بندی کرد:

۱- نظارت یا کنترل بر محیط. مدیر در نخستین گام، اطلاعات درونی و بیرونی سازمان را، که مؤید انحراف از رفتار برنامه‌ریزی شده یا قابل قبول است، کنترل می‌کند. او با همکاران صحبت می‌کند؛ صورتهای مالی، ارزیابی عملکردها، شاخصهای صنعت،

فعالیت‌های شرکت رقیب و این قبیل مسائل را بررسی می‌کند.

۲- تعریف مسأله. مدیر با شناسایی جزئیات مسأله، متوجه کاستیها و انحرافات می‌شود که انحراف در کجا وجود دارد؛ چه زمانی به وجود آمده است و چه کسانی درگیر آن بوده‌اند و اینکه این انحراف بر فعالیت‌های کنونی چه تأثیری دارد.

۳- تعیین هدفها. مدیر این موضوع را مشخص می‌کند که تصمیم مزبور چه نتایجی به بار خواهد آورد.

۴- شناسایی علت مسأله. در این مرحله مدیر تلاش زیادی می‌کند تا به علت اصلی مسأله پی ببرد. برای شناسایی علت اصلی باید داده‌های زیادی را جمع‌آوری کرد. درک علت یا پی‌بردن به آن باعث خواهد شد که مدیر بتواند به اقدامات مناسب دست بزند.

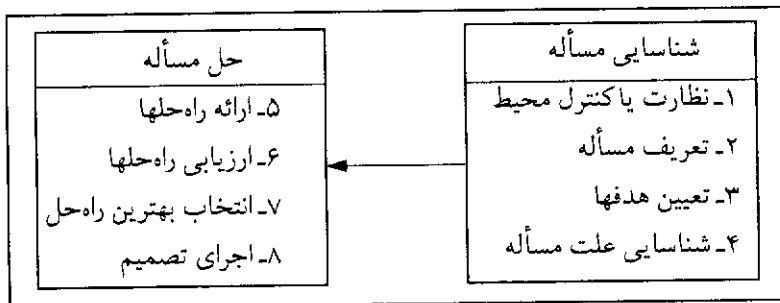
۵- ارائه راه‌حلهها. در این مرحله راه‌حلهای عملی که می‌توان بدان وسیله به هدفها رسید، شناسایی می‌شود. امکان دارد مدیر در پی نظریات و عقایدی برآید و از دیگران بخواهد پیشنهاد بدهند یا ابراز نظر کنند.

۶- ارزیابی راه‌حلهها. این مرحله صرف کاربرد روشهای آماری یا تجربه شخصی می‌شود تا بتوان میزان یا احتمال موفقیت را تخمین زد و یا محاسبه کرد.

۷- انتخاب بهترین راه‌حل. این مرحله، هسته اصلی فرایند تصمیم‌گیری را تشکیل می‌دهد. مدیر، مسأله، هدفها و راه‌حلهای قابل قبول را تجزیه و تحلیل، و بهترین راه‌حل را انتخاب می‌کند.

۸- اجرای تصمیم. سرانجام مدیر از تواناییهای اداری و سازمانی خود استفاده، و

دستورالعملهایی صادر می‌کند تا نسبت به اجرای تصمیم گرفته شده مطمئن شود.» (۱۴)



روش عقلانی محدود

«مقصود از روش بخردانه یا عقلانی محدود این است که مدیران برای اتخاذ تصمیمات خوب یا مناسب باید از روش منظم یا سیستماتیک استفاده کنند. هنگامی که مدیران با وضع آرام و بدون رقابت روبه‌رو می‌شوند یا مسأله‌ای در دست دارند که به خوبی قابل درک است از روش بخردانه استفاده می‌کنند.

تصمیماتی که رهبران بزرگ باید بگیرند، بسیار پیچیده است و نمی‌توان آنها را به صورت کامل درک کرد. از سوی دیگر عوامل محدود‌کننده زیادی هست که رهبر یا شخص تصمیم‌گیرنده را محدود می‌کند. گذشته از این محدودیتهای شخصی، مثل شیوه تصمیم‌گیری، فشار کار، کسب شهرت یا احساس عدم اطمینان و اعتماد ممکن است به صورت عوامل محدود‌کننده‌ای درآید که به صورت موانعی سد مسیری شود که به راه‌حلی می‌انجامد یا مانع از پذیرفتن یک راه‌حل شود. همه این عوامل مانع از این می‌شود که یک روش کاملاً بخردانه، که به راه‌حل مطلوب می‌انجامد، اجرا شود.» (۱۵)

روش عقلانی محدود غالباً مناسب فرایندهایی از تصمیم‌گیری است که به صورت شهودی است. در تصمیم‌گیری شهودی تجربه و قضاوت شخصی (نه رعایت اصول منطقی و استدلال) مورد استفاده قرار می‌گیرد.

روش شهودی، روشی دلخواه یا غیرمنطقی نیست؛ زیرا بر سالها تجربه عملیاتی مبتنی است که به صورت ناخودآگاه در وجود فرد انباشته شده است. تجربه زیاد باعث می‌شود که رهبران نوعی احساس (حس ششم) نسبت به پیروان، پیدا، و ناخودآگاه راه‌حل جدید را ارائه کنند. امام خمینی (ره) نیز از رهبرانی بودند که از این روش در تصمیمهای خود بهره می‌جستند و مشکلات را از طریق شهودی حل می‌کردند:

«ما تکلیف شرعی خودمان را عمل می‌کنیم. من اینطور تشخیص دادم که باید این کار را بکنیم.» (۱۶)

بنابر این امام خمینی (ره) در بیشتر موارد حساس از روش تصمیم‌گیری شهودی استفاده می‌کردند و موفق هم بودند. در بسیاری از موارد ممکن بود اطرافیان، ایشان را

از تصمیم منصرف کنند ولی معظم له می فرمودند باید انجام شود؛ از جمله صدور فرمان عملیات غرور آفرین رزمندگان اسلام در محرم سال ۶۲. با توجه به اینکه شب چهاردهم ماه بود و سراسر منطقه روشن، و در همان شب باران سیل آسا آمده، و منطقه را فرا گرفته بود، همه فرماندهان انتظار لغو عملیات را داشتند ولی فرماندهی کل قوا در ساعت مقرر دستور شروع عملیات را صادر فرمودند و به حول و قوه الهی موفق هم بود.

چگونگی تصمیم لازم در وقت لازم

برای گرفتن تصمیم لازم در وقت لازم از سوی خواص اهل حق، باید آنان در آغاز، تشخیص صحیح را بدهند تا بتوانند تصمیم مناسب را بگیرند. از سوی دیگر در خیلی از موارد میان تشخیص و تصمیم و اقدام، فاصله و تمایز قابل ملاحظه‌ای وجود ندارد؛ چراکه هر سه آنها مخصوصاً تصمیم و اقدام همراه با یکدیگر صورت می‌گیرد تا آنجا که رهبر انقلاب فرمودند: «تشخیص، تصمیم‌گیری و اقدام خواص در وقت لازم و گذشت آنان از زیباییهای فریبده دنیا، تاریخ را نجات می‌دهد.»

برای تصمیم لازم در یک دید کلی می‌توان سه زمینه را مد نظر قرارداد:

۱- بالا بردن افق فکری: خواصی که از افق فکری پایینی برخوردارند، هیچ‌گاه نمی‌توانند به تصمیم‌گیریهای بزرگ و سرنوشت‌ساز دست بزنند. خاصی که سطح و بینش فکری وی فقط به اطراف خویش معطوف است، کجا و کی خواهد توانست تصمیمی لازم برای تغییر یا اصلاح روند کلی جامعه و نظام بگیرد.

لذا بر خواص اهل حق است که با افزایش افق و دامنه فکری خویش، توانایی تصمیم‌گیریهای سرنوشت‌ساز و ماندگار را در خود ایجاد کنند و اجازه ندهند با پایین ماندن سطح فکری خود، فرصت اتخاذ تصمیمهای لازم در لحظات مختلف تاریخ را از دست بدهند.

یکی از راه‌های بالا بردن افق فکری این است که انسان در ذهن خود میدانهای مختلفی را تصور کند که تشخیص و یا تصمیم‌گیری و اقدام لازم را می‌طلبد.

روش دیگر برای افزایش بینش و افق فکری، تفکر و دقت در حالت، رفتار و زندگی خواص طرفدار حقی است که تشخیص و تصمیم لازم را در وقت لازم انجام نداده‌اند و مقایسه آن با حالات و رفتار و زندگی خواص طرفدار حقی که تشخیص و تصمیم لازم را اتخاذ کرده‌اند.

۲- اخلاص: «اخلاص چیز خیلی مهمی است، هر کار می‌کنید با اخلاص باشد. اخلاص یعنی هیچ انگیزه دیگری را جز انگیزه الهی و رضای پروردگار و انجام مأموریت و مسئولیت خدایی وارد نکنید. این معنایش اخلاص است. این اخلاص برکت عجیبی دارد؛ اثر طبیعی دارد. یکی از آثارش همین است که ناگهان یک سیر طی الارض و سمایی برای ارواح مستعد به وجود می‌آورد.»^(۱۷)

به نظر می‌رسد از جمله راه‌های رسیدن به این اخلاص این است که در وقایع روزمره زندگی سعی کنیم همیشه جانب حق را بگیریم و حق را پشتیبانی و تقویت کنیم. چنین رفتاری که اغلب با سختی‌هایی همراه است ناخالصی‌های وجودی انسان را ذوب می‌کند و وی را حق‌پذیر و حق‌مدارتر از قبل می‌سازد. نتیجه نهایی اینکه قدرت تصمیم‌گیری انسان بر اساس اخلاص و حق‌محوری افزایش می‌یابد.^(۱۸)

۳- مقدمه‌سازی: تشخیص، تصمیم‌گیری و اقدام خواص طرفدار حق در لحظه لازم، امر کوچکی نیست، بلکه چنان اهمیتی دارد که می‌تواند سرنوشت تاریخ را رقم بزند. در اولین گام جهت مقدمه‌چینی، خواص طرفدار حق بایستی در درون خویش تأمل کنند و استعدادها و ظرفیتهای نهفته خویش را کشف و بارور کنند.

در گام بعدی، لازم است آنها در خصوص ارتقای بینش و درک خانواده و اطرافیان خویش تلاش کنند. همه می‌دانیم که یکی از متاعهایی که خواص در مواجهه با آن، دچار لغزش می‌شوند، محبت خانواده و دوستان است و الحق که متاع کوچکی هم نیست.

گام آخر جهت مقدمه‌چینی در خصوص تصمیم‌گیری مناسب، حذف رودربایستی و بستگی به دیگران است. خواص اهل حق در بسیاری از موقعیتها اگر بخواهند واقعاً به

وظیفه خویش عمل کنند باید رودر بایستی و تعارف با دیگران را کنار بگذارند. بنابراین بهتر است که آنها و امदार کسی نباشند تا در هنگام تصمیم‌گیری دچار لغزش و کوتاهی نشوند. (۱۹)

امام خمینی (ره) از سال ۱۳۴۱ به طور عملی وارد عرصه سیاست شد و با حاکم وقت به مبارزه پرداخت. امام (ره) برای بالابردن افق فکری خویش بسیار تلاش کرد که به چند مورد از آنها به عنوان شاهد مثال اشاره می‌شود:

«بین سالهای ۱۳۴۰ تا شروع نهضت، منابع خبری زیادی داشتند. بسیاری از ارادتمندان بازاری، استادان دانشگاه، دانشجویان و قشرهای دیگر، خدمت ایشان می‌رسیدند و معظم له با مطرح کردن سؤالات خاصی از وضعیت اقتصادی، وضع تجارت و نحوه توزیع کالا با اوضاع سیاسی و اقتصادی کشور آشنا می‌شدند.

پس از پیروزی انقلاب هم به طور رسمی تلکس‌های خبری، روزنامه‌ها، مجله‌ها، اخبار صدا و سیما و گزارشهای مسئولان کشور را در اختیار داشتند ولی گویا بیش از سه ساعت در روز وقت برای مجموع اطلاع‌گیری از اوضاع کشور و جهان صرف نمی‌کردند و بقیه اوقات را به فکر کردن، عبادات شخصی و کمی استراحت می‌پرداختند. در همین دوران بسیار هوشیارانه، افراد مختلفی از دوستان و ارادتمندان را به حضور می‌پذیرفتند و ضمن تجدید دیدار از مسیرهای غیررسمی، اطلاعات خود را از آنچه شنیده بودند، تصحیح می‌کردند.» (۲۰)

«حضرت امام (ره) بارها نظریات سیاسی خود را تغییر داده‌اند. این تغییر نه تنها از ارزشهای والای ایشان نمی‌کاهد بلکه برعکس یکی از نکات مثبت و قوت معظم له است؛ چنانکه وقتی امروز می‌شنویم که پیامبر اکرم (ص) در جنگ بدر بر سر چگونگی چادر زدن در کنار چاه‌ها با پیشنهاد یک فرد عادی تصمیمشان را تغییر می‌دهند به وجد می‌آییم.» (۲۱)

انسان الهی - سیاسی در رفتار و عمل خود باید بر اساس تکلیف تصمیم‌گیری کند. در اینجا به این بُعد مهم در تصمیم‌سازی حضرت امام خمینی (ره) اشاره می‌شود.

نظریه تکلیف در تصمیم‌گیری

«از جمله استعداد‌های انسان، استعداد تکلیف‌پذیری است. انسان می‌تواند در چهارچوب قوانینی که برایش وضع شده است، زندگی کند. هر موجود دیگر غیر از انسان، جز از قوانین جبری طبیعی از قانون دیگر نمی‌تواند پیروی کند. ولی انسان، یگانه موجود ممتازی است که این امکان و توانایی شگفت را دارد تا در چهارچوب قوانین قراردادی رفتار کند. این قوانین قراردادی از آن نظر که از طرف مقام صلاحیتدار وضع شده است و به انسان تحمیل می‌شود و تحمّل قانونی از نوعی زحمت و مشقت خالی نیست به نام «تکلیف» خوانده می‌شود.»^(۲۲)

«از این جهت یک انسان موحد، آزادی مطلق، راه‌حلهای و راهکارهای مختلف در انتخاب گزینه‌ها ندارد؛ بلکه باید راه‌حلهای اخذ شده چه در بُعد اهداف، وسایل و ابزارها و چه در بُعد روشها، مطابق با ضوابط و معیارهای مکتبی باشد و در این خصوص محدودیتهایی وجود دارد. لذا تصمیم‌گیرنده مکتبی آن هم در نظام سیاسی اسلامی باید در محدودیت‌شناسی مکتبی قوی باشد تا بتواند مدیر و تصمیم‌گیرنده قابلی باشد.»

امام خمینی (ره) که مروج فرهنگ تکلیف و عمل در ایران اسلامی است و اصل تکلیف به عنوان فرضیه اصلی در تصمیم‌گیریهای سیاسی اوست بر این باور است که تمام رفتارها، حرکات، سکناات، اقوال، سکوتها، قیامها و قعودها و همگی اعمال بر اساس امر و تکلیف خداوندی شکل می‌گیرند.»^(۲۳)

«ببینیم خدا چی فرموده است، چه گفته است.»^(۲۴)

به عنوان مثال به تصمیم بزرگ امام در مورد قبول آتش‌بس در جنگ تحمیلی توجه فرمایید:

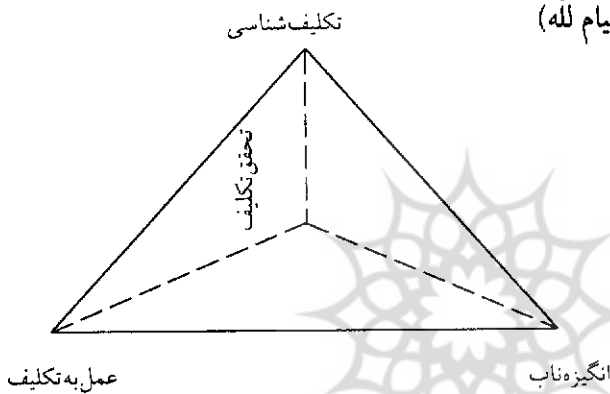
«ما در جنگ برای یک لحظه هم نادم و پشیمان از عملکرد خود نیستیم. راستی مگر فراموش کرده‌ایم که برای ادای تکلیف جنگیده‌ایم و نتیجه فرع آن بوده است؟! ملت تا آن روز که احساس کرد توان و تکلیف جنگ دارد به وظیفه خود عمل نمود... آن ساعتی که مصلحت بقای انقلاب را در قبول قطعنامه دید و گردن نهاد، باز به وظیفه خود

عمل کرده است. آیا از اینکه به وظیفه خود عمل کرده است نگران باشد؟» (۲۵)
 انسان مکلف سیاسی - الهی با رعایت سه نکته در رفتارها و تصمیم‌گیریهایش،
 آسیب‌ناپذیر می‌شود که این سه بعد تکلیف عبارت است از:

۱- تکلیف‌شناسی (بیداری)

۲- عمل به تکلیف (قیام)

۳- انگیزه الهی تکلیف (قیام لله)



۱- تکلیف‌شناسی

«در هر کاری ببینید خدا چه می‌گوید، آن را انجام دهید.» (۲۶)

عنایت امام به تکلیف‌شناسی در فرایند تصمیم‌گیری اجتماعی عنایتی تام بود به گونه‌ای که مکرر در مواقع حساس، ضمن تحلیل گذشته حرکت انقلاب، تأکید داشتند که تکلیف فعلی و تکلیف آینده را باید شناخت و بر آن اساس، تصمیم‌گیری و اقدام کرد:

«ما گذشته را پشت سر گذاشتیم و بحمد الله موفقیت آمیز بود. به گذشته خیلی نباید نظر کرد، عمده، آینده است. تکلیف فعلی ما چیست؟ تکلیف بعد از این و آینده ما؟ فرق نیست بر اینکه ما همه مکلف هستیم به تکلیف‌های الهی برای حال و برای آینده.» (۲۷)

۲- عمل به تکلیف

«گام بعدی، اقدام و عمل به تکلیف است. از قضا بیشتر آسیبهایی که از ناحیه اطلاع بر تکلیف بلکه از ناحیه عمل و اقدام است. امام خمینی (ره) در وصیت نامه خویش از

ملت‌های مسلمان می‌خواهند که انتظار کمک و یاری از خارج را نداشته باشند و خود به این امر حیاتی یعنی پیاده کردن احکام اسلام، که تحقق بخش آزادی و استقلال آنهاست قیام کنند و نیز به علما در مورد دخالت در سیاست و مشارکت سیاسی فعال آنها تأکید می‌کند و خواستار وارد شدن آنها به میدان و صحنه سیاسی شده‌اند:

«علما مسائل را مطرح کنند؛ نشینید دیگران برای شما تکلیف معین کنند. خودتان تکلیف را معین کنید.»^(۲۸)

۳- انگیزه ناب الهی

بعد سوم نظریه تکلیف که به‌طور جدی به عنوان یکی از آسیب‌های تصمیمات موحد مورد نظر قرار می‌گیرد و تقارن با عمل به تکلیف دارد، انگیزه و قصد الهی داشتن در عمل به تکلیف است. پس روح عمل باید در عمل حضور داشته باشد. امام فرمودند قیام باید برای خدا باشد:

«أما أعظمكم بوحدة أن تقوموا لله مثنى و فرادی یعنی خودتان هستید قیام کنید «لله»، جمعیت هم که هستید، گروه‌ها هم که هستید باز قیامتان «لله» باشد. فقط قیام نباشد.»^(۲۹) (۳۰)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رساله جامع علوم انسانی

رابطه قدرت و تکلیف

قدرت، «توانایی بالفعل فرد یا کشور برای وارد کردن فشار مادی و معنوی و تحلیل اراده خود بر دیگری و اعمال مجازات در صورت عدم متابعت است.»^(۳۱)

قدرت را به انواع و اقسام مختلفی تقسیم کرده‌اند: قدرت نظامی، قدرت اقتصادی، قدرت افکار عمومی و مردم و قدرت سیاسی و بالاخره نوع جدید (یا نام جدید) که مروج آن در فرهنگ سیاسی معاصر امام خمینی (ره) است و آن قدرت «ایمان» و امدادهای غیبی است.

اولین اصلی که در این رابطه باید در نظر گرفت تناسب جدی تکلیف با قدرت است؛ به بیان دیگر تکلیف باید با میزان توانایی و طاقت مکلف تناسب مستقیمی داشته باشد؛

همانطور که آیه شریفه می‌فرماید «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا»^(۳۲)

بنابر این خداوند مکلف نمی‌کند انسانها را به کاری که توانایی انجام دادن آن را نداشته باشند. این اصل در بیان و آثار امام خمینی (ره) نیز تأیید می‌شود و پایه تصمیم‌گیریهای امام خمینی (ره) است؛ چنانکه در جریان اعتراض به لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی در پیامی به ملت ایران در اسفند ۱۳۴۸ می‌فرماید: «کاش مأمورین بیایند و مرا بگیرند تا تکلیف نداشته باشم.»^(۳۳) چرا که با آزادی، قدرت و با وجود قدرت، تکلیف دارند. از این رو وقتی در عین قدرت بیان و اعتراض، اهانت به اسلام و منکرات را شاهد باشد و بعد سکوت اختیار کند مورد مؤاخذه الهی و سؤال او واقع خواهد شد لذا از این جهت می‌فرماید اگر مرا بگیرند و زندان بکنند دیگر تکلیفی ندارم و بعد که ایشان را از زندان آزاد می‌کنند می‌فرمایند: «اینها خطا کردند که مرا رها کردند، اشتباه کردند، به آنها هم گفتم آنجا، اگر می‌خواهید همان رویه را داشته باشید بگذارید من اینجا باشم، صلاح است.»^(۳۴)

«از همان سالهای ۴۱ و ۴۲ و حتی قبل از آن این نظریه تکلیف، روشنگر فلسفه و روشهای کل تصمیم‌گیریهای امام خمینی است. این مطلب بیان صریح خود امام است که ما در طول تمام این سالها بر این اساس تصمیم‌گیری کرده‌ایم؛ همچنانکه در موضوع مورد بحث یعنی رابطه قدرت و تکلیف بر وجود چنین رابطه‌ای صحه می‌گذارند که به واسطه قدرت، تکلیف داریم و بر وجود چنین رابطه‌ای صحه می‌گذارند که به واسطه قدرت تکلیف داریم و چنانچه اصل تکلیف مبتنی بر قدرت است کمیت (زیادی و کمی) آن نیز بر زیادتی و نقصان قدرت بنا می‌گردد.»^(۳۵)

امام (ره) در جای دیگر می‌فرماید:

«عالم پر از ظلم است، ما بتوانیم جلو ظلم را بگیریم باید بگیریم، تکلیفمان است، قرآن و ضرورت اسلام و قرآن تکلیف ما کرده است که باید برویم همه کار را بکنیم. اما نمی‌توانیم بکنیم، چون نمی‌توانیم بکنیم باید او (حضرت صاحب عج) بیاید تا بکند، اما باید فراهم کنیم کار را.»^(۳۶)

اعتماد سه‌گانه در تصمیم‌گیریهای امام خمینی (ره)

در مورد تصمیم‌گیریهای حضرت امام، علاوه بر اعتماد به خداوند و خودباوری و اعتماد به نفس، نوع سومی از اعتماد نیز مشاهده می‌شود و آن «اعتماد به مردم» است؛ یعنی در واقع از یک مثلث می‌توان سخن گفت که قاعده این مثلث را حسن ظن، اعتماد و توکل به خداوند تشکیل می‌دهد و به تبع این اعتماد، دو نوع اعتماد دیگر یعنی اعتماد به نفس و اعتماد به مردم نیز جلوه‌گر می‌شود. بنابر این کسی که برای خداوند گام بردارد خداوند قلوب مردم را با او همراه می‌کند.

اعتماد به نفس، اعتماد به مردم، اعتماد به خداوند: مثلث اعتماد در تصمیم‌گیریهای امام خمینی (ره). امام از میان اعتماد سه‌گانه در مورد دو اعتماد، بیان صریح دارند و اعتماد سوم، اعتماد به مردم نیز مسأله‌ای است که بارها موضع‌گیریهای سیاسی و نیز اظهارات ایشان مؤید چنین بیانی است. استاد مطهری می‌گوید: «در میان همه رفقا و دوستانی که سراغ دارم احدی مثل ایشان به روحیه مردم ایران، ایمان ندارد. به ایشان نصیحت می‌کنند که آفاکمی یواشتر، مردم دارند سرد می‌شوند، مردم دارند از پا در می‌آیند، می‌گویند: نه، مردم این‌جور نیستند که شما می‌گویید. من مردم را بهتر می‌شناسم و ما همگی می‌بینیم که روز به روز صحت سخن ایشان آشکار می‌شود.»

بیان مستقیم امام در سایر مناسبت‌های مختلف، نیز مؤیدی دیگر بر صدق این مدعاست، ایشان همیشه با حسن ظن و خوش‌بینی که لازمه «اعتماد» است به مردم می‌نگریست.^(۳۷)

«گاهی تعبیر امام این بود که حفظ نظام برای مردم از نماز واجبتر است. امام حفظ نظام را به عنوان یک مسئولیت بر دوش تک‌تک افراد و آحاد مردم قرار داد. شما می‌دانید هر وقت معضلی پیش می‌آمد امام مردم را صدا می‌زدند. همه چیز در اختیار امام بود. دولت در اختیار امام بود و نیروهای مسلح تحت فرمان وی بودند. اما در عین حال، امام در روزهای سخت مردم را صدا می‌زد و مردم هم به صحنه می‌آمدند و معضل را حل می‌کردند. آن روز که در پاوه معضل پیش آمد امام مردم را صدا زد. آن

روز که خطر نفاق و انحراف در ۳۰ خرداد سال ۱۳۶۰ پیش آمد امام در آن سخنرانی مهم که ساعت ۲ بعد از ظهر از رادیو پخش شد مردم را صدا زد. آن روز که جنگ پیش آمد مردم را صدا زد. عشقی که امام به مردم داشت شگفت آور بود و عشقی هم که مردم به امام داشتند از آن شگفت آورتر بود.»^(۳۸)

«امام هم خود را شناخته بود و هم مردم را بخوبی می شناخت. از همین رو بود که توانست ملت را به آن صورت در صحنه های مبارزه با آمریکا و شاه وارد سازد و به دست آنها سلطنت ۲۵۰۰ ساله شاه را نابود سازد؛ پس از آن جنگ را به دست آنها اداره کند و شور و عشق مردم را در طول ده سال که بر کشور ولایت داشت حفظ کند. امام (ره) مردم و نیروی عظیم مردمی بویژه مردم ایران را شناخت و از تمام ظرفیت آن بهره گرفت و مردم هم عاشقانه او را انتخاب کردند.»^(۳۹)

قاطعیت

یکی از ویژگیهای برجسته امام خمینی (ره) در تصمیم گیری برخورد قاطع با مسائل بود که در طول حیات بابرکت ایشان ملموس است.

«قاطعیت امام (ره) قاطعیت جدش امیرالمؤمنین (ع) را تداعی می کرد. او حق را با قاطعیتی تمام بیان می کرد و احدی را جز خداوند در نظر نمی گرفت و چون به نتیجه می رسید تصمیم می گرفت؛ با تمام وجود به آن عمل می کرد. در یکی از بیانات خود فرمود: «من به تمام دنیا با قاطعیت اعلام می کنم که اگر جهانخواران بخواهند در مقابل دین ما بایستند، ما در مقابل همه دنیای آنان خواهیم ایستاد و تا نابودی تمام آنان از پای نخواهیم نشست، یا همه آزاد می شویم و یا به آزادی بزرگتری که شهادت است می رسیم.»^(۴۰)

امام می فرماید: [وقتی] «آقای بازرگان و رفقای من آمدند و گفتند ما خیال داریم که این مجلس (خبرگان) را منحلش کنیم، من گفتم شما چه کاره هستید اصلش، که می خواهید این کار را بکنید؟ شما چه سمتی دارید که بتوانید مجلس منحل کنید؟ یا

شوید و بروید سراغ کارتان وقتی دیدند محکم است مسأله، کنار رفتند» (۴۱)

امام (ره) خود از آگاهترین افراد در تصمیمات قاطع بود. از اینجاست که حضرت امام (ره) به مناسبتی در جواب آیت الله سعیدی که می‌گوید خدمت امام عرض کردم: «شما را تنها می‌گذارند!» امام فرمود:

«اگر جن و انس یک طرف باشند و من یک طرف، حرف همین است که می‌گوییم» (۴۲)

قریب به این مضمون در جای دیگر می‌فرمایند:

«اگر خمینی یگانه و تنها بماند به راه خود که راه مبارزه با کفر و ظلم و شرک و بت پرستی است ادامه می‌دهد» (۴۳)

جرأت و ابتکار در تصمیم‌گیری

یکی دیگر از ویژگیهای حضرت امام (ره) در تصمیم‌گیری، جرأت ایشان در تصمیمهای وی است. «امام (ره) سینه به سینه شاه و ابرقدرتها می‌ایستاد و به چهره آنها سیلی می‌زد. نمونه‌های برجسته آن، موارد زیر است: عزل قائم مقام رهبری، دستور برخورد جدی با سیدمهدی هاشمی، دستور حکم اعدام سلمان رشدی و حکم اعدام توهین‌کننده به فاطمه زهرا (ع) و برخورد جدی با مسئولان صدا و سیما در این ارتباط و برخورد با منافقان، حزب توده، ملی‌گرایان و دعوت رئیس جمهور ابرقدرت شرق (شوروی سابق) آقای گورباچف به اسلام و برخورد با آمریکا در خلیج فارس و دستور ریختن مردم به خیابانها هنگام حکومت نظامی شاه و مانند اینها.

امام علاوه بر جسارتی که در تصمیم‌گیریهای بزرگ بویژه در مقاطع حساس انقلاب داشت از قدرت ابتکاری بزرگ برخوردار بود که مهمترین ابتکار او تأسیس حکومت اسلامی بر مبنای ولایت فقیه بود. همچنین تأسیس و ایجاد نهادهای مهمی نظیر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بسیج، جهاد سازندگی، بنیاد مستضعفان و بنیاد شهید انقلاب اسلامی، نهضت سواد آموزی، کمیته امداد امام، سازمان تبلیغات اسلامی و نهادهای

دیگر که از آثار و برکات و جودی حضرت امام هستند» (۴۴)

«اگر زمان به معنای «سیاست» است، اگر فرد آگاه به زمان فریب نمی خورد، اگر زمان را سیاستمداران می سازند، اگر سیاستمداران را آن بینشهای دقیق علمی و این کنشهای قوی عملی، می سازد، آنگاه معلوم می شود که حضرت امام راحل (قدس سره) چگونه زمان خود را شناخت و زمانه و تاریخ را عوض کرد.

او نه تنها سیاست ایران زمین، خاور دور و نزدیک و باختر دور و نزدیک، بلکه زمین و زمان را شناخت. او فهمید که انسان می تواند زمین و زمان را عوض کند. او دریافت که انسان آن قدرت را دارد که خود آگاه تاریخ را بسازد. انسان آن هنر را دارد که وضع را خود آگاه دگرگون کند. این کار با «اجتهاد» حل نمی شود، بلکه حل آن با «ولایت» میسر خواهد بود. چون شناخت حوادث جزئی با «ولاء» همراه است نه با اجتهاد کلی» (۴۵)

علما و مجتهدان قبل از امام پا به عرصه اجتهاد نهادند و مقلدانی چند نیز داشتند. در زمان حیات خود نتوانستند چنین کار با عظمتی را ایجاد کنند زیرا هیچکدام ولایت نداشتند. امام (ره) با ولایت خود شرق و غرب را متحول کرد که یک نمونه آن تحلیل مسأله شوروی سابق و پیام ارزنده ای است که برای گورباچف ارسال کرد.

«از آنجاکه پس از روی کار آمدن شما چنین احساس می شود که جناب عالی در تحلیل حوادث سیاسی جهان خصوصاً در رابطه با مسائل شوروی در دور جدیدی از بازنگری و تحول و برخورد قرار گرفته اید و جسارت و گستاخی شما در برخورد با واقعیات، چه بسا منشأ تحولات و موجب به هم خوردن معادلات فعلی حاکم بر جهان گردد... برای همه روشن است که از این پس کمونیسم را باید در موزه های تاریخ سیاسی جهان جستجو کرد؛ چرا که مارکسیسم جوابگوی هیچ نیازی از نیازهای واقعی انسان نیست؛ چرا که مکتبی است مادی و با مادیت نمی توان بشریت را از بحران عدم اعتقاد به معنویت که اساسی ترین درد جامعه بشری در غرب و شرق است به در آورد» (۴۶)

«البته این پیام در غرب نیز اثر گذاشت. چون امام امت (قدس سره) به غرب نیز چنین

هشدار دادند و فرمودند: شما فعلاً یک باغ سبزی را به شرق نشان می‌دهید. او (گورباچف) ممکن است از خطر مارکسیسم برهد، اما به خطر کاپیتالیسم مبتلا شود که آن نیز خطرناک است.»^(۴۷)

«کاری که امام امت (قدس سره) انجام داد در طی این قرون بی‌سابقه بود. قرآن کریم بر عنصر «ابتکار» تکیه می‌کند؛ چنانکه اگر مواد فکری وجود داشت و یک نفر بیش از دیگران و پیش از آنها قیام کرد و رهبری فکری و فرهنگی امت را به عهده گرفت، دیگران همتای او نیستند... بنابر این قرآن کریم بر پیروزی اول و ابتکار در ظفر تکیه می‌کند. در طی این چهارده قرن، ما مظلوم بودیم و برای ما مظلومیت رقم زده شده بود و باور می‌کردیم که باید ستم‌پذیر باشیم، ولی این سلیل رسول خدا حضرت امام خمینی (علیهما آلاف التحیه) برای اولین بار کاری که نه دوستان فکر می‌کردند و نه دشمنان می‌اندیشیدند را انجام داد. لذا اگر بعداً رهبری بیاید و این راه را ادامه دهد و بیگانگان را در کشورهای دیگر متواری کند او به عنوان «امت» خمینی خواهد بود.»^(۴۸)

«نتیجه اینکه صدها رهبران ثوره و انقلاب، خواه در خاور دور و نزدیک، خواه در خاورمیانه، خواه در باختر دور و نزدیک بر عرصه هستی عرضه شوند، امام رحیل ما امام همه آنهاست. زیرا اگر کسی کاری کند که هم فکر امت بودن را در مردم و هم فکر امام بودن را در رهبران احیا کند، او مثالی اعلای «والسابقون الاولون»^(۴۹) است و امام راحل اولین کسی بود که در قرون اخیر به این مقام منبع بار یافت. «طوبی لهُ و حُسُنُ مَا ب.»^(۵۰)

بر این اساس حضرت امام (قدس سره) چند کار مهم را انجام داد:

- ۱- «ولایت فقیه» را به دنبال «امامت» قرار داد.
- ۲- امامت و ولایت را در جای خود (علم کلام) نشانده.
- ۳- درخت برومند امامت و ولایت را شکوفا کرد.
- ۴- امامت و ولایت را بر سراسر فقه سایه افکن ساخت.
- ۵- رابطه بین مرجع مقلد را به رابطه امام^(۵۱) و امت^(۵۲) ارتقا داد.^(۵۳)

۶- امام (ره) در تصمیم‌گیری، جدی و قاطع و بلند همت بود. هر آنچه را وظیفه و تکلیف شرعی تشخیص می‌داد، اقدام جدی می‌کرد ولو اینکه همه دنیا با ایشان مخالفت می‌کرد از تصمیم خود منصرف نمی‌شد و هیچ‌به‌سرزنش سرزنش‌کنندگان اعتنا نمی‌کرد. در پایان به منظور حسن ختام، کلامی از استاد شهید مرتضی مطهری دربارهٔ عزت و عظمت امام خمینی (ره) ذکر می‌کنیم.

«اما آن (سفر کرده) که صدها قافله دل هم‌ره اوست، نام او، یاد او، شنیدن سخنان او، روح گرم و پرخروش او، اراده و عزم آهنین او، استقامت او، شجاعت او، روشن بینی او، ایمان جوشان او که زبانزد خاص و عام است؛ یعنی جان جانان، قهرمان قهرمانان، نور چشم عزیز، روح ملت ایران، استاد عالیقدر و بزرگوار، حضرت آیت‌الله العظمی خمینی [رضوان الله تعالی علیه] حسنه‌ای است که خداوند بر قرن ما و روزگار ما عنایت فرموده و مصداق بارز و روشن «إِنَّ لِلَّهِ فِي كُلِّ خَلْفٍ عُدُولًا يَنْفُونَ عَنْهُ تَحْرِيفَ الْمَبْطَلِينَ» است.

این نفس جان، دام‌نم برتافته است	بوی پیراهان یوسف یافته است
کز برای «حَقِّ صَحْبَتِ» سالها	فاش گو رمزی از آن خوش حالها
تا زمین و آسمان خندان شود	عقل و روح و دیده صد چندان شود
گفتم ای دور اوفتاده از حسیب	همچو بیماری که دور است از طیب
من چه گویم؟ یک رگم هوشیار نیست	شرح آن یاری که او را یار نیست
شرح این هجران و این خون جگر	این زمان بگذار تا وقت دگر
فتنه و آشوب و خونریزی مجو	بیش از این از شمس تبریزی مگو» (۵۴)

یادداشتها

- ۱- سیدعباس زاده، میرمحمد، کلیات مدیریت آموزشی، انتشارات دانشگاه ارومیه، ۱۳۷۴، ص ۱۱۴
- ۲- موسوی، سیدعلیرضا، جزوه مدیریت به روایت مکتب، «مبانی ارزشی تصمیم‌گیری»، ۱۳۶۳، ص ۱
- ۳- علی‌آبادی، علیرضا، مدیران جامعهٔ اسلامی، تهران، نشر رامین، چاپ دوم ۱۳۶۲، ص ۶۴
- ۴- علی‌آبادی علیرضا، مدیران جامعه اسلامی، نشر رامین، چاپ دوم ۱۳۶۲، ص ۶۶
- ۵- حکیمی پور، ابوالقاسم، تصمیم‌گیری در مدیریت، کاربرد فرضیهٔ زنجیره‌های مارکوف در تصمیم‌گیری مدیریت، مشهد: آستان قدس رضوی، مؤسسه چاپ و انتشارات، ۱۳۷۶، ص ۴۵

6- Edward Spranger

۷- مقدس، جلال، کاشفی، مجتبی، مدیریت، وظایف، طرح‌ریزی، برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری، تهران: انتشارات فروردین، ۱۳۶۶، ص ۱۳۶

8- H.Igor Ansoff

۹- مجله دانش مدیریت، شماره ۱۸، ص ۷۰
 ۱۰- حکیمی‌پور، ابوالقاسم، تصمیم‌گیری در مدیریت، مشهد: آستان قدس (مؤسسه چاپ و انتشارات)، ۱۳۷۶، ص ۵۷

11- Rational approach

12- Bounded rotionality Parspective

- ۱۳- ریچارد آل، دفت، تئوری و طراحی سازمان، ترجمه دکتر پارسائیان و اعرابی، تهران، دفتر پژوهشهای فرهنگی، جلد دوم، ص ۶۸۹
- ۱۴- منبع قبلی، ص ۶۹۳
- ۱۵- ریچارد آل دفت، تئوری و طراحی سازمان، ترجمه علی پارسائیان و سید محمد اعرابی، تهران، دفتر پژوهشهای فرهنگی: ۱۳۷۷، جلد دوم، ص ۶۹۶
- ۱۶- صحیفه نور، جلد ۷، ص ۳۷
- ۱۷- سخنرانی مقام معظم رهبری، ۲۷ شهریور ۱۳۷۶
- ۱۸- نیارثیس، سیدمهدی، تشخیص، تصمیم‌گیری و اقدام در وقت لازم، تهران: مؤسسه فرهنگی بشیر علم و ادب، ۱۳۷۷، ص ۲۱۱
- ۱۹- نیارثیس، سیدمهدی، تشخیص، تصمیم‌گیری و اقدام خواص در وقت لازم، تهران، مؤسسه فرهنگی هنری بشیر علم و ادب، ۱۳۷۷، ص ۲۱۱
- ۲۰- سمینار انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، مجموعه مقالات سمینار «انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن» ج ۱، قم، دی ماه ۷۶، ص ۱۶۱
- ۲۱- منبع قبلی، ص ۱۷۹
- ۲۲- استاد شهید مطهری، جهان‌بینی اسلامی، تهران: انتشارات صدا، ص ۲۷۳
- ۲۳- پرزگر، ابراهیم، مبانی تصمیم‌گیری سیاسی از دیدگاه امام خمینی (ره)، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳، ص ۱۶۹
- ۲۴- صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۱۳۰، ۶۴/۱/۱
- ۲۵- پیام به روحانیت در تاریخ ۶۷/۱۲/۳ «انوار تابان ولایت»، ص ۱۲۷
- ۲۶- صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۱۴۷
- ۲۷- صحیفه نور، ج ۷، ص ۴۲
- ۲۸- صحیفه نور، ج ۷، ص ۱۵۲
- ۲۹- صحیفه نور، ج ۹، ص ۲۸۰

- ۳۰- برزگر، ابراهیم، مبانی تصمیم‌گیری سیاسی از دیدگاه امام خمینی (ره)، ص ۱۸۰
- ۳۱- برزگر، ابراهیم، مبانی تصمیم‌گیری سیاسی از دیدگاه امام خمینی (ره) به نقل از سیاست بین‌الملل، هوشنگ مقتدر.
- ۳۲- بقره، آیه ۲۸۶
- ۳۳- صحیفه نور، خ ۱، ص ۲۵، اسفند ۱۳۴۱
- ۳۴- صحیفه نور، ج ۱، ص ۷۲، ۴۲/۲/۲۵
- ۳۵- برزگر، ابراهیم، مبانی تصمیم‌گیری از دیدگاه امام خمینی، ص ۲۱۲
- ۳۶- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۹۸، ۶۷/۱/۱۴
- ۳۷- برزگر، ابراهیم، مبانی تصمیم‌گیری سیاسی از دیدگاه امام خمینی (ره)، تهران، سازمان تبلیغات، ص ۱۲۶
- ۳۸- روحانی، حسن، انقلاب اسلامی، ریشه‌ها و چالش‌ها، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ۱۳۷۶، ص ۵۲۰
- ۳۹- اکبری، محمدرضا، سیمای امام خمینی (ره)، تهران: پیام عترت ۱۳۷۸، ص ۱۳۵
- ۴۰- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۱۸
- ۴۱- صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۳
- ۴۲- زی طلبگی، نهضت زنان مسلمان، ص ۳
- ۴۳- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۱۳
- ۴۴- اکبری، محمدرضا، سیمای امام خمینی، تهران: پیام عترت، ۱۳۷۸، ص ۱۳۸
- ۴۵- جوادی‌آملی، عبدالله، بنیان مرصوص امام خمینی (ره) در بیان و بنان آیت الله جوادی‌آملی، تهران: اسراء ۱۳۷۵، ص ۳۶۹
- ۴۶- صحیفه نور، ج ۲۱، ۱۳۶۹، ص ۶۶، ۶۷
- ۴۷- جوادی‌آملی، عبدالله، بنیان مرصوص امام خمینی (قدس سره) در بیان و بنان آیت الله جوادی، قم: اسراء ۱۳۷۵، ص ۲۹۷
- ۴۸- منبع قبلی، ص ۲۳۳
- ۴۹- سوره توبه، آیه ۱۰۰
- ۵۰- منبع قبلی، ص ۲۳۵
- ۵۱- اصولاً «متولی» دین است که خود را «سپر» دین می‌کند و هر خطری برسد، سپر باید تحمل کند. اگر تیری به سپر برسد او حق ندارد بنالد. چون سپر بودن او به این است که تیر را تحمل کند. اگر آسیبی به سپر برسد، وظیفه اولی او این است که تحمل کند، زیرا اگر صحنه را خالی کند دیگر سپر نخواهد بود. «متولی» دین نباید این چنین باشد.
- ۵۲- فعل ماضی «ام» یعنی «قَصَدَ» و «آیم» که اسم فاعل است به معنای «قاصد» است. «امت» به جامع‌های می‌گویند که نه تنها دارای «فرهنگ» است، بلکه «آهنگ» نیز دارد. فرهنگ داشتن مقدمه آهنگ داشتن است. آهنگ به معنای قصد، عزم، تصمیم و اراده است. همه فرهنگ‌داران اهل آهنگ و عزم و قصد و اراده نیستند ولی

همه آهنگ‌مندان اهل فرهنگ هستند.

۵۳. جوادی آملی، عبدالله، بنیان مرصوص امام خمینی در بیان و بنان حضرت آیت الله جوادی آملی، قم:

مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۵، ص ۲۴۶

۵۴. استاد شهید مطهری، مرتضی، نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، انتشارات صدرا، ص ۸۸-۸۷

فهرست منابع

- ۱- سیدعباس زاده، میرمحمد، کلیات مدیریت آموزشی، انتشارات دانشگاه ارومیه، ۱۳۷۴
- ۲- موسوی، سیدعلیرضا، جزوه مدیریت به روایت مکتب، «مبانی ارزشی تصمیم‌گیری»، آموزش و پرورش، ۱۳۶۳
- ۳- علی‌آبادی، علیرضا، مدیران جامعه اسلامی، تهران: نشر رامین، ۱۳۷۲
- ۴- حکیمی‌پور، ابوالقاسم، تصمیم‌گیری در مدیریت، کاربرد فرضیه زنجیره‌های مارکوف در تصمیم‌گیری مدیریت، مشهد: آستان قدس رضوی، مؤسسه چاپ و انتشارات، ۱۳۷۶
- ۵- مقدس، جلال و کاشفی، مجتبی، مدیریت، وظایف، طرح‌ریزی، برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری، تهران: انتشارات فروردین، ۱۳۶۶
- ۶- دانش مدیریت، دانشکده علوم اداری و مدیریت دانشگاه تهران، شماره ۱۸، پاییز ۱۳۷۱
- ۷- نیارنیس، سیدمهدی، تشخیص، تصمیم‌گیری و اقدام در وقت لازم، تهران: مؤسسه فرهنگی بشیر علم و ادب، ۱۳۷۷
- ۸- مجموعه مقالات سمینار انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، جلد اول، قم: ۱۳۷۳
- ۹- شهید مطهری، مرتضی، جهان‌بینی اسلامی، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۳
- ۱۰- صحیفه نور، جلد ۱۹
- ۱۱- صحیفه نور، جلد ۱۷
- ۱۲- صحیفه نور، جلد ۷
- ۱۳- صحیفه نور، جلد ۹
- ۱۴- برزگر ابراهیم، مبانی تصمیم‌گیری سیاسی از دیدگاه امام (ره): تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳
- ۱۵- صحیفه نور، جلد اول
- ۱۶- صحیفه نور، جلد ۲۰
- ۱۷- صحیفه نور، جلد ۱۵
- ۱۸- صحیفه نور، جلد ۲۱
- ۱۹- روحانی، حسن، انقلاب اسلامی، ریشه‌ها و چالش‌ها، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۶
- ۲۰- اکبری، محمدرضا، سیمای امام خمینی (ره)، تهران: پیام عترت، ۱۳۷۸
- ۲۱- ریچارد آل، دقت، تئوری و طراحی سازمان، ترجمه دکتر پارسائیان و اعرابی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، جلد دوم، ۱۳۷۷

۲۲- زی طلبگی، نهضت زنان مسلمانان، بی جا. بی تا

۲۳- جوادی آملی، عبدالله، بنیان مرصوص امام خمینی (ره) در بیان و بنان آیت الله جوادی آملی، تهران:

اسراء: ۱۳۷۵

۲۴- شهید مطهری، مرتضی، نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، تهران: انتشارات صدرا، چاپ

یازدهم، ۱۳۶۷



گروه پژوهش‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی